

باسمه تعالی

- ۲ مشتق
- ۲ امر چهارم: اختلاف مبادی
- ۲ انکار اختلاف در مبادی
- ۲ بیان مطلب: اطلاق فعلیت به صرف وجود مقتضی
- ۳ خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم اغا ضیا
- ۳ منشا اختلاف مبادی
- ۳ عدم منشایت مجموع ماده و هیئت برای اختلاف
- ۳ عدم منشایت ماده برای اختلاف در مبادی
- ۳ عدم منشایت هیئت برای اختلاف در مبادی
- ۴ مختار استاد: عدم انحصار منشا اختلاف در مبادی به وضع

موضوع: امر چهارم از مقدمات بحث مشتق / مشتق / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل یک فرع فقهی مطرح شد که ان فرع از بحث ظهور افعال در احداث نشات می‌گرفت به این بیان که در افعالی مانند وضو گرفتن و غسل کردن و چند بار شستن بعضی از نجاسات باید آنها را احداث کنیم زیرا ظهور در شستن صورت و دستان در وضو در این است که این کار را احداث کنیم فلذا اگر کسی در حال شستن صورت است (بدون قصد وضو) بعد در بقاء بخواد قصد وضو کند درست نیست البته بعضی از افعال قرینه وجود دارد که استدامه ای هم صحیح است. استاد فرمودند که این ظهور اگر وضعی است درست نیست زیرا علاوه بر وضع ماده و هیئت فعل دیگر وضعی بر احداث نداریم و اگر مراد ظهور انصرافی است باز هم درست نیست زیرا موارد عدم ظهور افعال در احداث خیلی زیاد است و بعید است که بگوییم همه آنها با قرینه بوده است

مشتق**امر چهارم: اختلاف مبادی**

بحث در امر چهارم بود مرحوم اخوند^۱ فرمود انحاء تلبسات مختلف هستند چون مبادی مختلف هستند و این اختلاف اثری در محل بحث ندارد. تلبس به مبدا در ضارب به این است که الان ضارب از او حاصل شود و در نجار تلبس به این است که ان حرفه را داشته باشد و لو اینکه الان نجاری نکند یا در مفتاح این است که هنوز ان دندانه ها از دست نداده باشد مرحوم اخوند میفرماید این اختلافات ربطی به بحث ندارد و تاثیری در بحث ندارد اینکه بعضی فکر کرده اند که اسم الت خارج از بحث است چون و لو اینکه در مفتاح فتحی در کار نباشد ولی به ان حقیقتا مفتاح میگویند ولی در حقیقت غفلت از ان اختلاف در مبادی است و این بحث اثری در هیئت مشتق است

این مطلب خوب است و متین است ولی بحثی که در این جا رخ داده است این است که اولاً این اختلاف وجود دارد و این مبادی اختلاف دارند یا مبادی اصلاً اختلاف در آنها نیست؟ اگر بفرض اختلاف دارند این اختلاف از چه چیزی نشأت گرفته است؟

انکار اختلاف در مبادی

مرحوم اغا ضیا فرموده است^۲ که اصلاً اختلافی در مبادی نیست و در همه فعلیت اخذ شده است و در همه ی مبادی ادعا کرده است که اختلافی نیست یعنی مثل مفتاح فتحش فعلی است و با ضارب فرقی نمیکند.

بیان مطلب: اطلاق فعلیت به صرف وجود مقتضی

شخصی که مثلاً مجتهد است و قوه را دارد و مقتضی برای اجتهاد فعلی را دارد در حقیقت عرف ان را اجتهاد فعلی میدانند و ان را در حال اجتهاد میدانند و لو اینکه در خواب باشد. مثلاً در شروط در ضمن عقد، شرط سقوط خیار میشود در حالی که اصلاً خیاری وجود ندارد ولی چون عقد مقتضی ان را دارد یک نحوه ثبوتی دارد و این کار را عرف در خیلی از موارد انجام میدهند.

^۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۴۳.

^۲ نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج ۱، ص ۱۳۱.

خلاف ارتکاز بودن ادعای مرحوم اغا ضیا

این مطلب خلاف ارتکاز است اینکه متقضا به فعل باشد به خاطر اینکه مقتضی (به کسر) وجود دارد خلاف ارتکاز است اینکه مجتهد مشغول اکل است و مشغول هر کاری که باشد به او مجتهد میگویند به این اعتبار که مقتضی اجتهاد به فعل را دارد، درست نیست.

منشا اختلاف مبادی

بلا اشکال مبادی این اختلافات را دارند سوال این است که منشا این اختلاف چیست؟ آیا این اختلافات از ماده آمده است یا از هیئت آمده است یا از ناحیه مجموع آمده است؟ سه احتمال در این جا وجود دارد. چرا ما از مفتاح چیزی که شانیت فتح را دارد و از مفتوح خود فتح را میفهمیم این اختلاف از کجا آمده است؟

عدم منشایت مجموع ماده و هیئت برای اختلاف

این که بگوییم این اختلاف از مجموع ماده و هیئت به وجود آمده است درست نیست و احساس ما این است که ماده یک معنا دارد و از هیئت یک معنا دیگری میفهمیم پس مثل جوامد نیست که یک وضع داشته باشد که از مجموع آنها این خصوصیت به وجود آمده باشد.

عدم منشائیت ماده برای اختلاف در مبادی

این که از ماده به وجود آمده باشد درست نیست و خلاف ارتکاز است یعنی فتحی که در مفتوح آمده است همان در مفتاح وجود دارد و فرق بین این دو خلاف ارتکاز است پس معلوم میشود که این اختلاف از جانب ماده نیست.

عدم منشایت هیئت برای اختلاف در مبادی

اینکه این اختلاف از ناحیه هیئت به وجود آمده باشد درست نیست یعنی نسبت تلبسیه شانیه یا فعلیه را از هیئت استفاده کنیم خلاف ارتکاز است و بعضی اوقات یک هیئت وجود دارد مانند مجتهد که گاهی اوقات میگویند مجتهد آمد که منظور کسی که قوه ان را دارد و گاهی اوقات میگویند لا یودی حقه المجتهدون که مراد کسی است تلبس به مبدا به صورت فعلیت دارد. پس هر سه راه نمیتوانند این مشکل را حل کنند.

مختار استاد: عدم انحصار منشا اختلاف در مبادی به وضع

مطلبی که به ذهن ما میاید این است که مواد اختلافی ندارد و مواد برای حدث وضع شده اند. ادعای ما این است که مثلاً «س ج د» وضع شده است برای همان حالت سجده و اینکه شانیت یا فعلیت از آن فهمیده باشد خارج از بحث ماده است و جزء مدلول این لفظ نیست. اگر گفته میشود زید یسجد بالفعل جزء موضوع له مواد نیست و منشأش هیئت نیز نیست اینکه وضع آنها فرق کند درست نیست و وضع آنها متحد است مثلاً هیئت فاعل وضع شده است برای همان معنای فاعلی. حال اگر الان در حال زدن باشد فعلی است و اگر در حالی زدن نباشد شانی است

این اختلاف به وضع اصلاً ربطی ندارد ولی گاه گاهی معنای هیئت یا معنای ماده یا قرینه دیگر اقتضا میکند که ما از این ماده فعلیت نفهمیم ولی در اینکه به وضع مرتبط نیست شکی نیست. ظاهر انصرافی اولیه هر عنوان فعلیت آن مبدا است ای چه بسا این انصراف قرینه بر خلاف داشته باشد و قرینه داریم (مثل هیئت) که ماده به فعلیت نرسیده است مثلاً هیئت مفتاح خبر میدهد از وسیله بودن فلان چیز ولی هیئت آن، قرینه است بر اینکه مراد شانیت است چون گاه گاهی اتفاق میافتد که درب را باز کند یعنی همین که الت است و این الت گاه گاهی اتفاق میافتد که درب را باز کند قرینه میشود که مراد شانی است.

یا مثلاً وقتی اطلاق لفظ مجتهد به کسی میشود مراد اجتهاد به فعل نیست بلکه مراد کسی است که ملکه را دارد و قرینه این مطلب همان ماده است یا مثلاً لفظ قاضی را وقتی که اطلاق میکنند منظور قضاوت به فعل مراد نیست بلکه مراد قضاوت منصبی است چون قضاوت یک منصب است و این قرینه نه از ماده و نه از هیئت استفاده شده است بلکه از قرینه دیگری استفاده شده است.

نتیجه: پس ممکن است وضع منشا اختلاف بشود ولی غالباً قرائن فی البین است.